

تحلیل ساختاری روایات شش گانه (فارسی و کردی) داستان کک کوهزاد

بر اساس الگوی گریماس

هادی یوسفی^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۲۱ شهریور ۱۴۰۰؛ صص. ۵۴-۳۹

DOI: <https://www.doi.org/10.34785/J013.2021.401>

چکیده

پوخته

داستان کک کوهزاد در زمره آثار حماسی سروده شده پس از شاهنامه و یکی از بخش‌های فراموش شده و یا نادیده انگاشته شده حماسه ایران زمین است که به شیوه‌های مختلف نظم و نثر روایت شده است. این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی، شش روایت داستان کک کوهزاد (دو روایت منظوم: یکی به زبان فارسی و دیگری به زبان کردی و چهار روایت عامیانه) را بر اساس الگوی گریماس، بررسی نموده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که روایات شش گانه کک کوهزاد دارای نظم منطقی ساختاری و محتوایی روایات حماسی بوده و برخلاف انتظار چهار روایت عامیانه که به واسطه ذهن و زبان مردم عامه بازتولید و به نثر روایت شده‌اند، ساختاری همانند روایات منظوم دارند و جز در یکی دو مورد جزئی، اختلاف چندانی در بین آن‌ها قابل مشاهده نیست و به عبارت دیگر نوع روایت (منظوم یا منثور/رسمی یا عامیانه) و زبان (کردی یا فارسی) در عدم تطابق روایات مذکور با یکدیگر تأثیرگذار نبوده است. همچنین مباحث ساختاری الگوی تقابلی، ساختار نحوی زنجیره‌های سه گانه در روایات مذکور رعایت شده و از نظر الگوی کنشی جز در یک روایت عامیانه، الگوی کنشی کاملی در روایات کک کوهزاد قابل مشاهده است.

چیرۆکی که کۆزاد هۆنراوه‌یه‌کی پالنه‌وانی دواى شانامه‌یه و یه‌کینک له به‌شه له‌بیرکراوه‌کان، یان له‌به‌رچاو نه‌گیراوه‌کانی شیعرى پالنه‌وانی تیژانه که به دوو شیوازی هۆنراوه و په‌خشان، گێردراوته‌وه. وتاری به‌رده‌ست به شیوازی ته‌وسیفی-شیکارانه، شه‌ش گێرانه‌وه‌ی چیرۆکی که‌ی کۆزاد (دوو هۆنراوه): یه‌کینک به‌ زمانی فارسی و یه‌کینکی تر به‌ زمانی کوردی و چوار گێرانه‌وه‌ی جه‌ماوه‌ریانه) له‌سه‌ر بنه‌ما و شیوازی گریماس تاوتوتی کردوه. ناکامی ئەم لیکدانه‌وه نیشان دده‌دات که هه‌ر شه‌ش گێرانه‌وه‌ی چیرۆکی که‌ی کۆزاد له‌ روانگی پیکهاته‌یی و ناوه‌رۆکیه‌وه، بارودۆختیکی گونجاری گێرانه‌وه پالنه‌وانییه‌کانی هه‌یه و به‌ پیچه‌وانه‌ی چاره‌روانییه‌وه هه‌ر چوار گێرانه‌وه جه‌ماوه‌رییه‌که، که به‌ هزر و بیر و زمانی خه‌لکی ناساییه‌وه له‌ پوه‌تی په‌خشاندا گوتراونه‌ته‌وه، پیکهاته‌یه‌ک هاوچه‌شنی گێرانه‌وه هه‌له‌به‌ ستراوه‌کانیان هه‌یه و بیجگه‌ له‌ یه‌ک دوو بابته‌تی چکۆله، ناته‌باییه‌کی هینده به‌رچاو به‌دی ناکرئ. به‌ واتایه‌کی تر، شیوه‌ی گوتراوه (هۆنراوه یان په‌خشان/فرمی یان جه‌ماوه‌ریانه) و زمانی (کوردی یان فارسی) له‌ نه‌بوونی هاوده-قیی نیوان گێرانه‌وه‌کاندا کاریگه‌ر نه‌بووه و هه‌روه‌ها له‌و گێرانه‌وانه‌دا پیکهاته-ی سه‌رمه‌شقی روه‌روویی، پیکهاته‌ی زمانه‌وانی و چه‌رخه‌ی سه‌دانیه‌ی له‌ به‌رچاو گیراوه و به‌ هه‌مان شیوه سه‌رمه‌شقی کرده‌وه‌یی، بیجگه‌ له‌ یه‌ک گێرانه‌وه‌ی جه‌ماوه‌ریانه، له‌ پاشماوه‌ی گێرانه‌وه‌کاندا به‌ ته‌واوی به‌دی ده‌کرئ.

وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: پیکهاته‌خوازی؛ گێرانه‌واناسی؛ گریماس؛ گێرانه‌وه‌ی شه‌ش دانیه‌ی؛ که‌ی کۆزاد.

واژگان کلیدی: ساختارگرایی؛ روایت‌شناسی؛ گریماس؛ روایت شش‌گانه؛ کک کوهزاد.

۱- مقدمه

روایت همان جزء لاینفک زندگی انسانی است که از آغاز زندگی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم با او همراه می‌شود و در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها حضوری چشمگیر دارد و به قول آسابرگر (۱۳۸۰: ۱۵) اگرچه ما به ندرت در مورد روایت‌ها فکر می‌کنیم، اما از نخستین روزهای عمر تا واپسین دم زندگی در دریایی از داستان‌ها و قصه‌ها غوطه‌وریم که می‌شنویم، می‌خوانیم یا می‌بینیم (همان) و «در هیچ جا ملت بی‌روایتی وجود نداشته است» (Barthes, 1977: 79).

ریشه واژه narration به narrara در لاتین و gnarus یونانی می‌رسد. gnarus به معنای دانش و شناخت است که خود ریشه در تبار هندواروپایی gna دارد و gnos (یونانی مشتق دیگر آن است). واژه کهن و فراموش شده انگلیسی geenawwan نیز ریشه در همان واژه هندواروپایی دارد. به این اعتبار روایت به معنای یافتن دانش است. ارسطو نیز در نظریه ادبی خود داستان استوار بر تقلید را «تحقق دانش» می‌خواند (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۷۶) و در زبان فارسی روایت در لغت به معنی نقل کردن خبر یا حدیث یا سخن گفتن از کسی یا داستان‌گویی و در اصطلاح ادبی رشته‌ای از حوادث واقعی و تاریخی یا خیالی است به نحوی که ارتباطی بین آن‌ها وجود داشته باشد (میرصادقی (ذوالقدر) و میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۷۲) و (انوشه، ۱۳۷۶: ۶۹۵). داستان‌های شاهنامه و روایات حماسی پس از آن نیز از جمله روایت‌هایی هستند که می‌توان از زوایای مختلف روایی مورد بحث و بررسی قرار داد؛ زیرا یکی از ژانرهای ادبی که هم ماهیتی روایی و هم ساختاری نظام‌مند دارد و در عین حال بسیار می‌تواند در مطالعات روایت‌شناسی قابل توجه و مطالعه قرار گیرد، داستان‌های حماسی است که در آن‌ها همانند قصه‌های عامیانه، کمدی‌ها، اسطوره‌ها و داستان‌های عاشقانه کارکردهای مشابهی قابل مشاهده است (سلدن، ۱۳۸۴: ۱۴۲) و دارای بن‌مایه‌های یکسان، مفاهیم تکراری و ماهیت روایی هستند.

داستان کک کوهزاد که روایتگر بخشی دیگر از زندگی رستم، پهلوان نامیرای حماسه و نبردهای آغازین او در اوان جوانی است، نیز در این دایره قرار می‌گیرد، روایتی که براساس نظر صفا (۱۳۶۹: ۳۱۹) ظاهراً از دفتری مستند بر روایات شفاهی راویان سیستان و خراسان نشأت گرفته است (همان) و برخلاف نظر برخی از افراد که این داستان را مجعول، بی‌اهمیت و مربوط به زمان مغول دانسته‌اند، بر مبنای دلایلی از قبیل شباهت سبک سخن‌سرایی آن به داستان‌های حماسی قرن پنجم، استعمال کم واژگان عربی و فقدان نام‌های عربی در آن شباهت فراوان آن به سبک خراسانی پیش از مغول و عدم بازتاب افکار مربوط به قرن هفتم در آن (همان: ۳۱۹-۳۲۰) و از سوی دیگر آشکار بودن تأثیرپذیری ساختاری و محتوایی این روایت که از قرن دهم به بعد (کک کوهزاد و برخی روایات دیگر) به صورت الحاقی در نسخه‌های شاهنامه ذکر شده‌اند، از شاهنامه (خالقی مطلق، ۱۳۶۴: ۲۵۵-۲۵۴)، داستانی مهم و قابل توجه است که علاوه بر روایت منظوم در سده‌های بعد روایاتی منثور از آن نیز پدید آمده است که در این مقاله به منظور درک و دریافت میزان شباهت و تفاوت‌های روایات مذکور و به دست آوردن شناخت بهتر ابعاد داستان و کشف الگوی جامع روایت که ناظر بر صورت زبان‌شناختی روایت‌ها با ساختار قابل توصیف آن‌هاست، شش روایت این داستان شامل دو روایت منظوم (یکی به زبان فارسی و دیگری به زبان کردی) و چهار روایت عامیانه منثور از منظر روایت‌شناسی ساختارگرا و مدل‌کنشی گریماس مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بررسی آثار پیشین نشان می‌دهد که تا کنون پژوهشی درباره روایات مورد بحث که به صورت همزمان روایات منظوم دو زبانه را با روایات منثور عامیانه و با این سنجه مشخص، یعنی الگوی گریماس بررسی نماید، انجام نشده است، از این رو در این نوشتار تلاش شده است به دو سؤال اساسی در این زمینه پاسخ داده شود:

۱- شباهت روایات شش‌گانه داستان حماسی کک کوهزاد بر اساس الگوی گریماس تا چه اندازه است؟

۲- آیا بر مبنای الگوی گریماس نوع روایت (منظوم یا منثور/رسمی یا عامیانه) و زبان (کردی یا فارسی)

در تطابق و یا احیاناً عدم تطابق داستان‌ها با یکدیگر تأثیرگذار بوده است یا خیر؟

۱-۱- پیشینه پژوهش

دسته اول آثاری که به داستان کک کوهزاد پرداخته‌اند: محمدی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «داستان رستم و کک کوهزاد» ضمن معرفی داستان کک کوهزاد و بحث درباره سراینده داستان و منطقه سرایش، منشأ آن را مناقشات اقوام کوچ (قفص، قفس) و بلوچ (بلوص) و افغانان با سیستانیان و خراسانیان و آزارهای ایشان بر اهالی این نواحی می‌داند که در کتب مسالک و ممالک به تفصیل بیان شده است. سپس به معرفی نسخه‌های این داستان و در نهایت تأثیر کلام فردوسی بر این اثر می‌پردازد. غفوری (۱۳۹۱) در مقاله «روایت دیگر از نبرد رستم با کک کوهزاد» دو روایت بلند و کوتاه داستان کک و چهره اساطیری او را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که روایت کوتاه متقدم و کهن‌تر از روایت بلند آن است؛ زیرا درون‌مایه اصلی روایت بلند، غیرت رستم در کین‌خواهی خون‌نیاکانش و تلاش او برای به دست آوردن نام و زدودن ننگ است، اما بن‌مایه اصلی روایت کوتاه، فراتر از آن است و به نبرد پهلوان با پتیاره و آزادکردن دختران پادشاه اسیر شده می‌پردازد که بن‌مایه کهن‌تر آن، ازدهاکشی پهلوان و ازدواج با دختر گرفتار در چنگ اژدهاست. الهی‌نژاد (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل تقلیدهای شاهنامه فردوسی تا اول دوره تیموری» به این نتیجه رسیده است که حماسه‌های تاریخی و پهلوانی پس از شاهنامه در دو حیطة لفظ و معنا و ترتیب موضوعات خویش از شاهنامه تأثیر پذیرفته‌اند. علامی و کریمی (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی درون‌مایه‌های سه داستان الحاقی شاهنامه» درون‌مایه سه داستان الحاقی جمشید، کک کوهزاد و سوسن‌نامه، بخشی از داستان برزنامه است، را از منظر فلسفی، مذهبی، اخلاقی، غنائی، اجتماعی، زن و ملی با هم مقایسه کرده‌اند. صفا (۱۳۶۹) در کتاب حماسه‌سرایی در ایران به معرفی و بیان ارزشمندی داستان مذکور پرداخته است. انجوی شیرازی (۱۳۵۴) در کتاب مردم و شاهنامه، چهار روایت از داستان کک کوهزاد را که در میان مردم رایج بوده، نقل کرده است که بررسی این روایات نشانگر رواج هر دو روایت بلند و کوتاه داستان کک کوهزاد در میان مردم آن روزگار است و امینی (۲۰۱۱) نیز در کتاب شاهنامه کوردی (ههورامی = اورامی) که شامل مجموعه‌ای از داستان‌های شاهنامه کُردی است، این داستان را نقل کرده است و در این دسته به شمار است. دسته دوم: آثار حماسی بررسی شده بر اساس الگوی روایی گریماس است. از جمله پایان‌نامه دکترتاری حسین‌پناهی (۱۳۹۴) در دانشگاه کردستان با عنوان «روایت-شناسی حماسه در ایران»، پایان‌نامه ارشد خراسانی (۱۳۸۹) در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان «بررسی ساختار روایی داستان سیاوش بر پایه نظریه نشانه‌معناشناسی روایی گرمس»، مقاله «تحلیل ساختار روایت در نگاره مرگ ضحاک بر اساس الگوی کنش گریماس»، (خادمی و پورخالقی چترودی: ۱۳۹۰)، مقاله «تحلیل ساختاری طرح داستان کیومرث بر اساس الگوهای تودوروف، برمون و گریماس» (موسوی‌لر و مصباح: ۱۳۹۱).

۱-۲- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

نقد و نظریه ادبی و بررسی متون بر اساس آراء مختلف یکی از شیوه‌های جدید پژوهش در جهان است که با مطالعه بسیاری از متون ادب قدیم و جدید در راستای تخصصی شدن ادبیات که یک نیاز ضروری و لازم جامعه علمی و ادبی است، گام برمی‌دارد و با این کار دست‌مایه درک بهتر شیوه‌های نگارش آثار ادبی گذشتگان و مراحل نوشتار و بهره‌گیری از شیوه و نظم خاص در نوشتن را به آیندگان می‌آموزد تا بتوانند با شناخت ساختارهای زبانی متن، به تحلیل بنیادهای معنوی آن بپردازند؛ از این‌رو تحلیل و بازخوانی روایت‌های کهن منظوم بر اساس این نظریه (نظریه گریماس) می‌تواند در شناخت بیشتر و عمیق‌تر این آثار یاریگر باشد. یکی دیگر از دلایل ضرورت پژوهش حاضر عدم انجام پژوهشی با موضوع روایت‌شناسی منظومه حماسی کک کوهزاد است؛ که بر این مبنا این نوشتار می‌تواند مبحثی تازه در این زمینه باشد.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- روایت‌های کک کوهزاد

ماجرای کک کوهزاد، داستانی حماسی است که پس از شاهنامه به شیوه‌های مختلف منظوم و منثور روایت شده است و به دلایلی همچون در دسترس فردوسی نبودن و یا قرار نگرفتن در سلسله روایت تاریخی‌ای که مد نظر فردوسی بوده، در شاهنامه ذکر نشده است. سراینده گمنام این اثر، ماجرای نبرد رستم با کک کوهزاد را به رشته نظم کشیده و به شیوه شاهنامه تلاش کرده است که اثری درخور بیافریند. بر اساس منابع در دسترس این منظومه دو روایت کوتاه و بلند دارد و پنج نسخه از آن موجود است «۱- نسخه بودلیان شماره ۱۲۱۳ شامل پنج منظومه: سام‌نامه، کک کوهزاد، بهمن‌نامه، برزنامه، بانوگشسب‌نامه. ۲- نسخه موزه بریتانیا با هفت منظومه: گرشاسپ‌نامه، سام‌نامه، کک کوهزاد، پتیاره، فرامرنامه، برزنامه و بانوگشسپ‌نامه به تاریخ (۱۲۴۹). ۳- در نسخه‌های لومسدن^۱، فوللرس^۲، ترنر ماکان^۳ و روکرت^۴، قطعات الحاقی وجود داشته که داستان کک هم جزو آن‌ها بوده است. «لومسدن» ماجرای رستم با کک (کک) را که شامل ۷۰۰ بیت است از نسخه استراسبورگ اقتباس کرده است. نلدکه این داستان را جعلی می‌داند. ۴- در چاپ دبیرسیاقی و در جلد ششم به نام ملحقات این داستان به همراه داستان جمشید و بخشی از برزنامه آمده است. ۵- نسخه خطی به همراه تصاویر مینیاتوری نزد نگارنده بدون تاریخ تحریر و بدون نام کاتب» وجود دارد (محمدی، ۱۳۸۴: ۴۰-۴۱). همچنین در زبان کردی نسخه‌ای دیگر از این داستان در ضمن روایات و داستان‌های شاهنامه کردی آمده است که رشید امینی آن را در مجموعه‌ای به همراه روایاتی دیگر گرد آورده است. سراینده این منظومه نیز مشخص نیست. این روایت به نظر می‌رسد بر اساس یکی از نسخ فارسی در دسترس سراینده، ترجمه شده باشد که در ادامه سلسله داستان‌های خاندان رستم به رشته تحریر درآمده و در آن ماجرای جنگ رستم با کک کوهزاد در اوان جوانی روایت شده است، البته احتمال داده شده است که سراینده اثر الماس‌خان کندوله‌ای باشد. همچنین از این ماجرا چهار روایت عامیانه در کتاب مردم و شاهنامه گردآورده انجوی شیرازی نیز نقل شده است که بر اساس موقعیت جغرافیایی روایات و فرستندگان، که لر هستند، به نظر می‌رسد زبان روایات لری بوده و احتمالاً به وسیله راویان و یا انجوی شیرازی به فارسی برگردانده شده‌اند. درون‌مایه و مضمون اصلی تمام روایت‌ها داستان کک کوهزاد است، ضد قهرمان و دشمنی که به دلیل توانمندی، سال‌های سال از شاهان ایران و ایرانیان باج ستانده و کسی را از شاهان و پهلوانان یارای مقابله با او نبوده است و حال قهرمان شاهنامه، رستم، در عنفوان جوانی این حقیقت را دریافته و تصمیم به مقابله می‌گیرد و سرانجام بر این دشمن غدار پیروز می‌شود. مشخصات روایات مذکور در جدول زیر قابل مشاهده است:

¹ Matthew Lumsden

² Joannes A. Vullers

³ Turner Macan

⁴ Friedrich Rückert

جدول شماره ۱: مشخصات کلی روایات شش‌گانه

روایات	ابیات و سطور	شخصیت‌های داستان		
		قهرمان	ضد قهرمان	یاران قهرمان و ضد قهرمان
منظوم فارسی	۷۰۰ بیت	رستم	کک کوهزاد	یاران قهرمان: گودرز، میلاد، کشواد یاران ضد قهرمان: بهزاد برادرزاده کک، مرد دژدار، میدان خوابگزار، دیده‌بان، یاران ناشناس کک
منظوم کردی	۱۱۰ بیت	رستم	کهی کوزاد	یاران قهرمان: گودرز، زال، سپاه زال، پهلوانان بی‌نام ایرانی یاران ضد قهرمان: فراشان شر، غلام خاص کک
عامیانه یک	۷۲ سطر	رستم	کهزاد	یاران قهرمان: گرگین، الماس، زال، منوچهر شاه یاران ضد قهرمان: بهزاد، منجمان دربار کک، ساکنان قلعه دژ کک/
عامیانه دو	۲۳ سطر	رستم	کهزاد	یاران قهرمان: زال، پهلوانی از گودرزبان (احتمالاً گرگین که رستم او را مست می‌کند و همراه خود می‌برد)، چند نفر سپاهی ایرانی یاران ضد قهرمان: بهزاد، آزاد (برادران کک)
عامیانه سه	۱۴۷ سطر	رستم	کوک بن کوهزاد	یاران قهرمان: زال، یاران ناشناس رستم، رئیس کاروان خراج، زن و فرزندان زال، لشکر ایران، نگهبان زندان، دو نفر قراول ایرانی یاران ضد قهرمان: قراولان و نگهبانان کک، رئیس قراولان
عامیانه چهار	۲۵ سطر	رستم	کهزاد	یاران قهرمان: زال، یکی از ملازمین زال یاران ضد قهرمان: نگهبان خیررسان کهزاد

۲-۲- مبانی نظری: دیدگاه گریماس در عرصه روایت‌شناسی

روایت و به‌عبارت‌دیگر روایت‌شناسی علم نسبتاً نوین‌پدایی است که به بررسی ساختارهای مختلف روایت می‌پردازد و یکی از مباحث مهم در حوزه نقد و نظر ادبی است (اخوت، ۱۳۷۱: ۲). اساس مبحث روایت‌شناسی به ولادیمیر پراپ، فرمالیست روسی و کتاب بررسی قصه‌های عامیانه او در سال ۱۹۲۸ م. بازمی‌گردد که «با تحلیل حدود صد قصه عامیانه روسی، به بن‌مایه‌های تکرارشونده آن‌ها دست یافت» (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۰۹). ساختارگرایان بر اساس ویژگی‌های روایت، یعنی مصنوعی و دارای طرح از پیش تعیین‌شده بودن، تکراری بودن، داشتن خط سیر و روایتگر مشخص و فراهم بودن امکان جابه‌جایی حوادث و ... (آذر، ۱۳۹۳: ۳۵) تلاش فراوانی در راستای درک و شناخت اجزاء و تعریف چهارچوب مشخص برای روایت از خود نشان دادند و نظر و شیوه‌های مشخصی را هم در این راستا عرضه کردند، در این میان آلژیر ژولین داس گریماس لیتوانیایی مقیم فرانسه نشانه‌شناس و ساخت‌گرای حوزه روایت با چاپ کتاب معنی‌شناسی ساختاری در سال ۱۹۹۶ به تحلیل جنبه‌های گوناگون گفتمان پرداخت و تلاش کرد تا راهکارهای اصلی و مهم زبان را کشف و آن‌ها را تبیین نماید و در این راه موفق به طرح نظریه‌ای به نام «دستور زبان روایت» شد. «گریماس مانند سایر ساختارگرایان، به پیروی از زبان‌شناسی سوسوری در جستجوی بوطیقا یا همان دستور همگانی است. او ساختار روایت را بسیار نزدیک به ساختار گرامری زبان می‌داند و داستان‌ها را با وجود تفاوت‌هایشان متأثر از یک الگو و ساختار می‌داند» (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۶۴). «آنچه برای گریماس حائز اهمیت است دستور زبان زیربنایی و سازنده روایت‌هاست، نه متن‌های منفرد. علاوه بر این گریماس اعتقاد دارد که دستور روایت نیز مانند دستور زبان محدود است» (تولان، ۱۳۹۳: ۱۱۵) و (گرین و لیبهان، ۱۳۸۳: ۱۱۰).

آراء گریماس شکل تغییر و تعدیل یافته نظریات پراپ است که به جنبه‌های کلی‌تری از روایت و ساختار داستان می‌پردازد و فرمول‌ها و قواعدی را ارائه می‌کند که از سطح داستان‌های عامیانه فراتر رفته، ساختار تمامی

نوع ادبیات داستانی را شامل می‌شود. «از نظر گریماس دلالت با تقابل‌های دوتایی شروع می‌شود. مفاهیم اولیه تفکر، درست مثل صورت‌های اولیه گفتار، به این ترتیب از هم جدا می‌شوند: چپ/راست، بالا/پایین، تاریخ/روشن» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۱۱۵). از نظر گریماس «بنیادی‌ترین چهارچوبی که ذهن انسان در قالب آن به جهان ساختار می‌بخشد و سپس مفهوم آن را درک می‌کند، تقابل است» (تولان، ۱۳۹۳: ۱۱۲)؛ بنابراین اساس کار الگوی گریماس بر مبنای تقابل‌های دوگانه است، تقابل‌های دوگانه و بنیادینی که درک و شناخت آن‌ها بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا تقابل‌سازی‌های ذهنی انسان نخست به زبان و در مرحله بعد به روایت‌های او راه پیدا می‌کند و انسان با ساختار بخشیدن به جهان در قالب جفت‌های مخالف مفهوم‌سازی می‌کند. به‌عنوان مثال (متضاد عشق، نفرت است) و نفی آن (نفی عشق به معنای فقدان عشق است) (همان: ۱۱۴) و (سجودی، ۱۳۸۲: ۷۳). همچنین گریماس با مطالعه معنانشناسی و ساختارهای معنایی توانست نظریه «الگوی کنشی» را با هدف نمایان ساختن نقش شخصیت‌ها ارائه دهد و آن را در نظام نشانه‌شناسی بسنجد (علوی مقدم و سوسن پور، ۱۳۸۷: ۱۰۹). الگویی که «به نظر جهان‌شمول، انعطاف‌پذیر و قابل تطبیق با ژانرهای ادبی و غیرادبی می‌باشد، به‌گونه‌ای که ساختار اصلی هر روایت را می‌توان با نظریه روایت‌شناسی او تحلیل و بررسی کرد (مشهدی و ثواب، ۱۳۹۳: ۸۵).

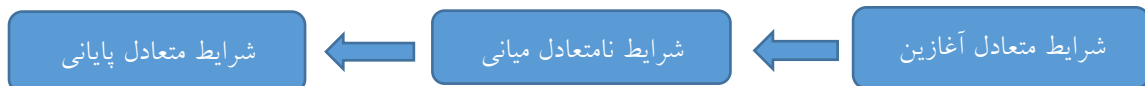
۲-۲-۱- ساختار طرح روایت از نظر گریماس

گریماس در مبحث ساختار طرح از دو جنبه به موضوع می‌پردازد: نخست بر اساس تقابل‌های دوگانه در روایت و دوم بر مبنای قواعد نحوی شامل (زنجیره میثاقی یا پیمانی، زنجیره اجرایی و زنجیره انفصالی).

۲-۲-۱-۱- تقابل‌های دوگانه

گریماس نظریه تقابل‌های دوگانه را در تمامی اجزای قصه (طرح، شخصیت و ...) تسری می‌دهد و به پیروی از لوی استراوس ساختار قصه را هم منبعت از این تقابل می‌داند، برای مثال از نظر او تقابل‌های دوگانه در ارتباط با طرح به این شکل است: «تقابل‌های زمانی (شرایط آغازین متعادل و یا غیرمتعادل در مقابل شرایط پایانی قصه) در برابر شرایط مضمونی (برای مضمون معکوس و غیرمتعادل) راه‌حلی پیدا می‌شود و دوباره تعادل می‌یابد. گریماس تمام آن کنش‌های قصه که شرایط آغازین را پشت سر می‌گذارند و به سرانجام می‌رسند و مضمون معکوس را تعادل می‌بخشند جزء عناصر طرح قصه می‌داند» (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۳۲) و (اخوت، ۱۳۷۱: ۶۵). بر مبنای الگوی زیر که از مقاله (مشهدی و ثواب، ۱۳۹۳: ۹۲) نقل شده است:

نمودار شماره ۱:



جدول شماره ۲: طرح بر اساس الگوی تقابلی گریماس

روایت	شرایط آغازین متعادل	شرایط میانی نامتعادل	
		تغییر وضعیت از متعادل آغازین به نامتعادل میانی	تغییر وضعیت از نامتعادل میانی به متعادل پایانی
منظوم فارسی	رستم از راهی در حال عبور است	۱. دو نفر ناشناس رستم را (از نظر توانمندی و قدرت) به کک کوهزاد تشبیه می‌کنند. ۲. مأموران کک از ایرانیان باج می‌ستانند ۳. رستم از وجود کک کوهزاد آگاه می‌شود و تصمیم به مقابله می‌گیرد	۱. رستم به سوی کک می‌شتابد/۲. رستم با برادران کک کوهزاد می‌جنگد و آن‌ها را اسیر می‌کند. ۳. رستم با کک کوهزاد مبارزه می‌کند و پس از اسیر کردن او، کک را با برادرانش می‌کشد
			شرایط پایانی متعادل درخواست بخشش سپاهیان کک از زال و نوشتن فتح‌نامه به ایران

منظوم کردی	رستم در مکتب - خانه گودرز در حال علم‌آموزی است	۱. مأموران با شکنجه از ایرانیان باج می‌ستانند و فریاد آن‌ها به آسمان بلند است و زال توانایی و یاری مقابله ندارد. ۲. رستم، از گودرز درباره فریاد و ضجه مردم و دلیل آن می‌پرسد. ۳. گودرز با اکراه ماجرا را بازگو می‌کند. ۴. رستم از وجود کک کوهزاد آگاه می‌شود و تصمیم به مقابله می‌گیرد	۱. رستم به سوی کک می‌شتابد. ۲. رستم با کک کوهزاد می‌جنگد و او را اسیر می‌کند. ۳. سر کک کوهزاد به‌وسیله رستم بریده می‌شود	گرداندن سر کوهزاد در ایران برای احساس آسایش شاه و دلبران ایران
عامیانه یک	رستم بی‌خبر از وجود ضدقهرمان در زابلستان در حال عبور است.	۱. دو نفر ناشناس تنومندی رستم را به کک کوهزاد تشبیه می‌کنند. ۲. رستم از آنها و سپس از پدرش درباره کک پرس‌وجو می‌کند. ۳. رستم از وجود کک کوهزاد آگاه می‌شود و تصمیم به مقابله می‌گیرد. ۴. زال رستم را از رفتن به جنگ کک بر حذر می‌دارد و دستور می‌دهد دروازه قلعه را ببندند تا رستم به جنگ نرود.	۱. رستم به سوی مکان کک می‌شتابد و در مسیر با شیر بیشه گودنار می‌جنگد و شیر را می‌کشد. ۲. رستم با هاشم دیو مبارزه می‌کند و او را از دم تیغ می‌گذراند. ۳. رستم با برادر کک کوهزاد کارزار و او را اسیر می‌کند. ۴. رستم با کک کوهزاد مبارزه و او را اسیر می‌کند. ۵. کک کوهزاد و برادرش بر دار آویخته می‌شوند	تسلیم شدن یاران کوهزاد، بخشیده شدن آن‌ها توسط منوچهر و اجازه اسکان آن‌ها در قلعه کک به شرط خراج‌گذاری.
عامیانه دو	رستم در اصفهان سکونت دارد و از ماجرای باج‌ستانی آگاه نیست	۱. خبر شنیدن رستم درباره باج‌ستانی کک از زال در اصفهان، ۲. آگاه شدن رستم، از وجود کک و تصمیم‌گیری برای مقابله با کک	۱. رستم به‌سوی مکان کک کوهزاد می‌شتابد. ۲. رستم با کک کوهزاد مبارزه می‌کند. ۳. کک کوهزاد شکست می‌خورد و کشته می‌شود	و به این ترتیب شرّ کوهزاد از سر مردم کم می‌شود
عامیانه سه	رستم، با دوستان خود در باغی خارج از زابل مشغول تفریح و خوش‌گذرانی است	۱. رستم شب‌هنگام صدای کاروانی را می‌شنود و از سرکاروان پرس‌وجو می‌کند. ۲. سرکاروان راز باج‌ستانی کک از زال را برملا می‌کند. ۳. رستم، از وجود کک باخیر می‌شود و تصمیم به مقابله می‌گیرد.	۱. رستم به‌سوی مکان کک کوهزاد می‌شتابد. ۲. رستم در راه با قراولان کوهزاد مبارزه می‌کند و آن‌ها را می‌کشد. ۳. رستم با کک می‌جنگد و او را اسیر می‌کند. ۴. کک با فریب زندانبان موفق به فرار می‌شود اما رستم دوباره او را اسیر می‌کند. ۵. کک کوهزاد به دست رستم دو نیمه می‌شود	عالمی را از شر آن مرد دزد و رهن خلاص کرد
عامیانه چهار	رستم در ده‌سالگی به شکار می‌رود	۱. دو نفر ناشناس می‌گویند شاید رستم بتواند با کک درآویزد. ۲. رستم از آن‌ها و زال درباره حقیقت وجودی کک و باج‌ستانی او پرس‌وجو می‌کند. ۳. رستم، از وجود کک باخیر می‌شود و تصمیم به مقابله می‌گیرد. ۴. انذار زال به رستم برای پرهیز از جدال با کک.	۱. رستم به‌سوی قلعه کک کوهزاد می‌شتابد. ۲. رستم با کک می‌جنگد و او را شکست داده، می‌کشد	خبر آوردن ملازم از پیروزی رستم برای زال و خوشحال شدن او

در نمودار و جدول فوق شاهد سه بخش هستیم: شرایط متعادل آغازین، شرایط نامتعادل میانی و شرایط متعادل پایانی که بیانگر موقعیت داستان است. به این معنا که در آغاز قهرمان، رستم، از وجود ضد قهرمان، کک کوهزاد، بی‌خبر است و این همان شرایط متعادل آغازین است و در میانه داستان، یعنی زمان باج‌ستانی زیردستان کک از مردم ایران و خاندان رستم و آگاهی او از این موقعیت داستان دچار عدم تعادل می‌شود و سرانجام در مرحله سوم با رفتن رستم به جنگ کک کوهزاد و کشتن و دفع شرّ او، شرایط متعادل پایانی رقم می‌خورد. همچنین جدول فوق نشانگر این مطلب است که کلیه روایات شش‌گانه فارغ از نوع، زبان و تعداد کنش‌ها دارای طرح و پیرنگی مشخص هستند که در آن‌ها روایت شرایط متعادل آغازین، نامتعادل میانی و متعادل پایانی را پشت سر می‌گذارد و تغییر وضعیت از منفی به مثبت صورت می‌گیرد؛ به این معنا که رستم به عنوان کنشگر اصلی از عهده کاری که نیاکان او از انجام آن عاجز بوده‌اند، یعنی از بین بردن دشمن دیرینه، کک کوهزاد، قطع باج‌ستانی او و در نتیجه اثبات پهلوانی خویش برآمده است. دلایل این تغییر از وضعیت متعادل به نامتعادل چنین است: در دو روایت منظوم فارسی و روایت عامیانه یک، تشبیه رستم توسط دو فرد ناشناس به کک کوهزاد؛ در روایت منظوم کردی عامیانه چهار، زمزمه دو نفر با خود در خصوص امکان هم‌آوردی رستم با کک کوهزاد؛ در روایت منظوم اصفهان و در روایت عامیانه سه، رفتن کاروان خراج به‌سوی کک و آگاهی رستم از آن است. همچنین وضعیت متعادل پایانی نیز در مواردی همچون بخشش سپاهیان کک توسط منوچهر، ارسال فتح‌نامه به ایران‌زمین،

احساس آسایش مردم ایران پس از مرگ کک کوهزاد و ... مشهود است و از این منظر روایات مذکور با الگوی گرماس همخوانی دارند.

۲-۲-۱-۲-۲ طرح بر مبنای ساختار نحوی

یکی دیگر از شیوه‌های بررسی طرح در نگرش و الگوی گرماس بررسی ساختار نحوی داستان است که در برگزیده سه زنجیره میثاقی یا پیمان، اجرایی و انفصالی است که به ترتیب در روایات شش‌گانه مورد نظر این نوشتار و در قالب توصیف و سپس درج زنجیره‌های موجود در روایت در جدولی مشخص، به بحث گذاشته خواهد شد.

۲-۲-۲-۲ زنجیره‌های روایی گرماس

گرماس در راستای پایبندی به الگوی کنشی خود در برخورد با تسلسل‌های روایت و تقلیل سی و یک کارکرد پراپ به بیست کارکرد بسیار موفق‌تر از سایر روایت‌شناسان عمل کرده است (ر.ک: ایگلتون، ۱۳۸۳: ۱۴۴). در الگوی مورد نظر او طرح روایت دارای سه پی‌رفت است و «او از سه پی‌رفت اصلی همچون سه قاعده اصلی نام برد. این سه پی‌رفت عبارت‌اند از: ۱- اجرایی، که وابسته است به زمینه‌چینی وظایف، نقش‌ویژه‌ها، کنش‌ها و غیره. ۲- پیمانی یا هدفمند، که وضعیت داستان را به سوی یک هدف راهنمایی می‌کند، همچون اراده به انجام کاری یا سر باز زدن از آن. ۳- متمایزکننده، که دگرگونی‌ها و حرکت‌ها را در بر می‌گیرد» (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۶۱)؛ بنابراین او ساختار قصه را از سه توالی یا زنجیره منتج می‌داند: ۱- زنجیره پیمانی^۵؛ این زنجیره وظیفه‌ای را که به عهده قهرمان قصه گذاشته شده، به سرانجام معهود خود می‌رساند یا نمی‌رساند. ۲- زنجیره اجرایی^۶؛ زنجیره‌ای است که دلالت بر عمل و یا انجام مأموریتی می‌کند. ۳- زنجیره انفصالی یا انتقالی^۷؛ زنجیره‌ای که دلالت بر تغییر وضعیت یا حالتی می‌کند و دربرگیرنده تغییر شکل‌های قصه‌اند (اخوت، ۱۳۷۱: ۶۶). توضیح این که زنجیره پیمانی در برگزیده بستن و شکستن پیمان‌ها است. زنجیره اجرایی با آزمون‌ها و مبارزات مرتبط است و زنجیره انفصالی به وضعیت تعادل در جمله می‌پردازد. به عقیده گرماس سیر حرکت بسیاری از قصه‌ها از منفی به مثبت است. زنجیره اجرایی، طرح اصلی داستان را می‌سازد و ساختار روایی هر داستان متکی به آن است؛ اما از دیدگاه روش‌شناسی، زنجیره پیمانی مهم‌تر از آن است؛ زیرا نشان می‌دهد وضعیت‌ها به خودی خود نکته مرکزی طرح نیستند و آنچه ما وضعیت می‌خوانیم در حکم پذیرش یا رد پیمان است (اسکولز، ۱۳۸۳: ۱۵۴). حال بر اساس مسائل مطرح شده سه زنجیره یا توالی در روایات شش‌گانه کک کوهزاد به صورت زیر قابل طرح است:

۲-۲-۲-۱-۲-۲ زنجیره پیمانی

روایت کک کوهزاد دارای زنجیره پیمانی است و زنجیره پیمانی در داستان مذکور به دو صورت غیرمستقیم و مستقیم انجام می‌شود؛ بدین معنا که در شیوه غیر مستقیم قهرمان از طریق افراد ناشناس یا غریبه که تنومندی و تهمت‌نی او را به کک کوهزاد تشبیه می‌کنند (روایت منظوم فارسی و دو روایت عامیانه شماره یک و چهار)، به ماهیت وجودی ضد قهرمان، کک، پی می‌برد و به نوعی به صورت غیرمستقیم از طرف جامعه مسؤولیت مبارزه با کک بر عهده او گذاشته می‌شود و در شکل مستقیم خود رستم با رؤیت حوادثی از قبیل باج‌ستانی همراه با ظلم و ستم مأموران کک کوهزاد و پرسیدن ماجرای آن از معلم خود، گودرز، در (روایت کردی)، روبه‌روشدن با

⁵ Syntagmes contractual

⁶ Syntagmes per formative

⁷ Syntagmes disjunctive

کاروانی که حامل مال و گنج و ... است و پرسش از فرد کاروانی (روایت عامیانه ۳) و یا باجستانی از مردم اصفهان و ضرب و شتم آنان توسط مأموران خراج در (روایت عامیانه ۲) از حقیقت ماجرا آگاه شده و احساس مسؤولیت و انگیزه درونی در وی ایجاد می‌شود و تصمیم می‌گیرد در رفع شر و فتنه کک کوهزاد به جان بکوشد.

۲-۲-۲-۲- زنجیره اجرایی (آزمون)

در روایات شش‌گانه زنجیره اجرایی زیر قابل مشاهده است:

الف) تصمیم‌گیری و حرکت به سوی مکان ضد قهرمان (در تمام روایات).

ب) آگاهی ضد قهرمان از وجود قهرمان با شنیدن صدای هم‌اورد طلبی او (روایت منظوم فارسی، عامیانه ۲ و ۴) یا از طریق دیده‌بان (منثور ۱)، غلام (منظوم کردی) و رئیس قراولان (عامیانه ۳).

پ) به میدان آمدن و مبارزه برادر کک با رستم (روایت منظوم فارسی و عامیانه ۱) و مبارزه پیشقراولان با رستم (عامیانه ۳).

ت) جدال و مبارزه قهرمان (رستم) و ضد قهرمان (کک کوهزاد).

ث) اسیر شدن ضد قهرمان و برادر او (در تمام روایات) با این توضیح که در روایت عامیانه ۳ اسیر شدن کک کوهزاد یک‌بار در میدان جنگ و بار دیگر پس از فرار او پس از تطمیع نگهبان اتفاق می‌افتد.

ج) کشته شدن کک کوهزاد و برادر او.

۲-۲-۲-۳- زنجیره انفصالی یا انتقالی

این زنجیره در روایات مورد نظر از منفی به مثبت در حال تغییر است؛ به این معنا که از زمان تصمیم‌گیری رستم برای رفتن به میدان مبارزه کک کوهزاد (کاری که پیشینیان از عهده آن برنیامده‌اند) تا مبارزه، پیروزی رستم و کشته شدن کک کوهزاد و در نهایت اعمالی همچون درخواست بخشش سپاهیان کک از زال و نوشتن فتح‌نامه به ایران (روایت منظوم فارسی). گرداندن سر کوهزاد در ایران و احساس آسایش شاه و دلیران ایران به دلیل از بین رفتن دشمن (روایت منظوم کردی)، تسلیم شدن یاران کوهزاد، بخشیده شدن آن‌ها توسط منوچهر و اجازه اسکان آن‌ها در قلعه کک به شرط خراج‌گزاری (روایت عامیانه ۱). خبر آوردن ملازم از پیروزی رستم برای زال و خوشحال شدن او (روایت عامیانه ۴) روند انتقالی روایت را به پیش می‌برند و بر این مبنا زنجیره سه‌گانه گریماس در روایات شش‌گانه کک کوهزاد قابل اثبات است و به عبارت دیگر داستان مذکور دارای نظام روایی کاملی است و با قواعد الگوی گریماس همخوانی دارد.

۲-۲-۳- الگوی کنشی گریماس

«هر ساختار داستانی، یک نقطه گرانیگاه اصلی و یا به قول ساختارگرایان مکتب پراپ، یک سطح مسلط دارد. عناصر و روابط ساختار همیشه در پیوند با این گرانیگاه هستند» (محمدی، ۱۳۷۸: ۶۵) و ساختارگرایان آن را در مقابل پیرنگ که حرکتی رو به جلو دارد، عنصر ثابت روایت برمی‌شمارند (والاس، ۱۳۸۲: ۸۷). این عنصر کلیدی، ثابت و گرانیگاه داستان همان شخصیت است که روایت با اعمال و رفتار او به ظهور می‌پیوندد. (مشهدی و ثواب ۱۳۹۳: ۹۸-۹۹ به نقل از اخوت)، نظریه‌های شخصیت را به سه دسته عمده تقسیم کرده‌اند: «۱- نظریه کنش. ۲- نظریه معنایی. ۳- نظریه اسمی (اسم‌گرایانه). از نظر معتقدان به نظریه کنشی، در داستان هر شخصیتی نقشی بر عهده دارد که باید آن را انجام دهد و در حقیقت، شخصیت چیزی جز بازیگر نیست، از این رو آن‌ها

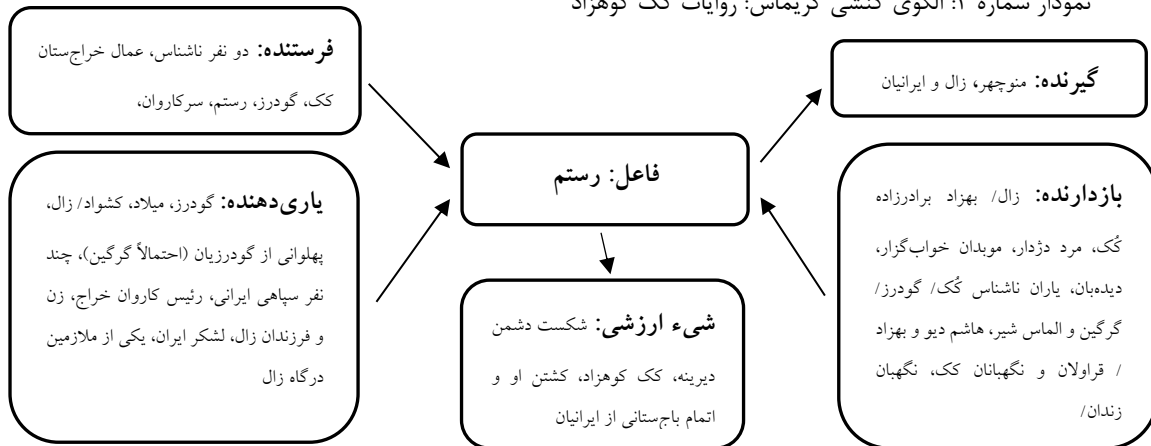
شخصیت را کنشگر (actant) می‌نامند» (همان). گریماس با مطالعه معنانشناسی و ساختارهای معنایی توانست نظریه «الگوی کنشی» را ارائه دهد. در حقیقت، الگوی کنش، با هدف نمایان ساختن نقش شخصیت‌ها در روایت مطرح شد و مفهوم حوزه‌های پیونددهنده کنش و شخصیت، به شناخت شخصیت کمک شایانی کرد. گریماس، الگوی معنانشناسی خود را بر کنش روایت استوار کرد و کوشید آن را در نظام نشانه‌شناسی بسنجد (علوی مقدم و سوسن پور، ۱۳۸۷: ۱۰۹). الگوی وی بر مبنای روابط تقابلی شخصیت‌هاست و به نظر او «فقط شش نقش (کنشگر)، به منزله مقولات کلی در زیربنای همه روایات وجود دارد که سه جفت مرتبط با هم را تشکیل می‌دهند» (محمدی، ۱۳۷۸: ۶۵). شش کنشگر اصلی روایت به نظر وی عبارتند از: ۱- فرستنده یا تحریک‌کننده^۸؛ او «کنش‌گر» را به دنبال خواسته یا هدفی می‌فرستد و دستور اجرای فرمان را می‌دهد. ۲- گیرنده^۹؛ کسی است که از «کنش‌گر» سود می‌برد. ۳- کنشگر^{۱۰}؛ او عمل می‌کند و به سوی «شیء ارزشی» می‌گراید. ۴- شیء ارزشی^{۱۱}؛ هدف و موضوع «کنش‌گر» است. ۵- کنشگر بازدارنده^{۱۲}؛ کسی است که جلوی رسیدن «کنش‌گر» را به «شیء ارزشی» می‌گیرد. ۶- کنشگر یاری‌دهنده^{۱۳}؛ او کنشگر را یاری می‌دهد تا به «شیء ارزشی» برسد (همان: ۱۱۴) و به عبارت کوتاه و دقیق‌تر: فرستنده کنشگر را به دنبال شیء ارزشی می‌فرستد تا گیرنده از آن سود برد و در جریان جست‌وجو، کنشگران یاری‌دهنده او را یاری می‌دهند و کنشگران بازدارنده جلو او را می‌گیرند (Greimas, 1983: 86). کنش‌گزار که همان فرستنده است از ارزش و معنای اصلی هدف (شیء ارزشی) آگاه است و کنشگر اصلی داستان از نظر آگاهی به جایگاه فرستنده دست می‌یابد که بنا بر نظر اسماعیل‌آذر: «این دو نقش، محور دانایی و ادراک هدف در داستان هستند» (۱۳۹۳: ۹۵).

در الگوی کنشگر گریماس، نماینده همه نقش‌ها، شخصیت‌ها هستند. به غیر از نقش هدف که لزوماً شخصیت نیست و می‌تواند مفهوم یا شیء باشد. در این الگو، کنشگر اصلی با همه عناصر دیگر مرتبط است. محور ارتباط فاعل با کنش‌گزار (فرستنده) و کنش‌پذیر (گیرنده)، آگاهی و گاهی توانایی است. بر اثر حادثه و بحران در داستان، کنش‌گزار و قهرمان از وضعیت نامطلوب آگاه می‌شوند. کنش‌گزار کسی است که کنشگر اصلی را به جست‌وجو یا مقابله با عامل بحران می‌فرستد و پس از انجام عمل، به کنشگر اصلی پاداش می‌دهد. کنشگر اصلی در درک و فهم ارزش‌ها و اهداف با کنش‌گزار (فرستنده) همسان و در تصمیم‌گیری برای حل بحران با کنشگر اصلی مشترک است. اهمیت کنش‌گزار (فرستنده) در ارتباط با کنشگر اصلی آن است که بر محور انگیزه و نوع اندیشه و تفکر و میزان آگاهی در داستان تأکید می‌کند؛ به عبارتی، ذهنیت و تفکر و انگیزه شخصیت‌ها (کنش‌گزار و کنشگر اصلی) و تأثیر متقابل این دو نقش را در داستان نشان می‌دهد (شیری، ۱۳۷۶: ۱۱). گریماس در هفت شخصیت قصه که پراپ تشخیص داده بود، تجدیدنظر کرده، یار و یاور که منطقی نوعی بخشنده به شمار می‌رود و نیز قهرمان دروغینی را که یاور خصم تلقی می‌شود، حذف می‌کند و شخصیت گیرنده / مرجع را که منطقی با فرستنده ارتباط دارد، بر جمع می‌افزاید (لوفلر دلاشو، ۱۳۶۶: ۱۹).

نمودار زیر نشان‌دهنده نقش کنشگران و فلش‌ها بیانگر نحو روایی بین کنشگران هستند:

⁸ sender
⁹ receiver
¹⁰ subject
¹¹ object
¹² opponent
¹³ helper

نمودار شماره ۲: الگوی کنشی گریماس: روایات کک کوهزاد



جدول شماره ۳: کنشگرهای روایات کک کوهزاد

روایت	فرستنده / تحریک کننده	کنشگر	گیرنده	بازدارنده	یاری دهنده	شیء ارزشی
منظوم فارسی	دو نفر ناشناس رستم	رستم	منوچهر، زال و ایرانیان	زال / بهزاد برادرزاده کک، مرد دژدار، موبدان خواب‌گزار، دیده‌بان، یاران ناشناس کک	گودرز، میلاد، کشواد	شکست دشمن دیرینه، کک کوهزاد، کشتن او و اتمام باجستانی از ایرانیان
منظوم کُردی	عمال خراجستان کک گودرز	رستم	منوچهر، زال و ایرانیان	زال، گودرز	گودرز	شکست دشمن دیرینه، کک کوهزاد، کشتن او و اتمام باجستانی از ایرانیان
عامیانه یک	دو نفر ناشناس	رستم	منوچهر، زال و ایرانیان	زال، گرگین و الماس شیر، هاشم دیو و بهزاد	-----	شکست دشمن دیرینه، کک کوهزاد، کشتن او و اتمام باجستانی از ایرانیان
عامیانه دو	عمال خراجستان کک رستم	رستم	منوچهر، زال و ایرانیان	زال	زال، پهلوانی از گودرزبان (احتمالاً گرگین که رستم او را مست می‌کند و همراه خود می‌برد)، چند نفر سپاهی ایرانی	شکست دشمن دیرینه، کک کوهزاد، کشتن او و اتمام باجستانی از ایرانیان
عامیانه سه	رئیس خراج رستم	رستم	منوچهر، زال و ایرانیان	زال، قراولان و نگهبانان کک، نگهبان زندان	رئیس کاروان خراج، زن و فرزندان زال، لشکر ایران	شکست دشمن دیرینه، کک کوهزاد، کشتن او و اتمام باجستانی از ایرانیان
عامیانه چهار	دو نفر ناشناس	رستم	منوچهر، زال و ایرانیان	زال	یکی از ملازمین درگاه زال	شکست دشمن دیرینه، کک کوهزاد و اتمام باجستانی از ایرانیان

بررسی الگوی کنشی روایات کک کوهزاد نشان‌دهنده این موضوع است که به‌جز روایت عامیانه یک که کنشگر یاریگر در آن وجود ندارد، کلیه اجزای کنشگر مورد نظر گریماس در پنج روایت دیگر حضور دارند و سه عامل (کنشگر اصلی یا فاعل = رستم / گیرنده = منوچهر، زال و ایرانیان / شیء ارزشی = شکست دشمن دیرینه، کک کوهزاد، کشتن او و اتمام باجستانی از ایرانیان) در شش روایت مذکور یکسانند، اما در کنشگر فرستنده یا تحریک‌کننده تفاوت‌هایی با هم دارند. فرستنده یا تحریک‌کننده منظوم فارسی، عامیانه یک و عامیانه چهار = دو نفر ناشناس، فرستنده در روایت منظوم کُردی = عمال خراجستان کک و گودرز/ در عامیانه دو = فرستنده عمال خراجستان کک و خود رستم/ در عامیانه سه فرستنده رئیس کاروان خراج و خود رستم است. همچنین کنشگر یاری‌دهنده نیز در روایت‌ها با هم اختلاف دارد. در روایت منظوم فارسی: گودرز، میلاد، کشواد/ در روایت منظوم

کردی: گودرز/ در روایت عامیانه یک یاریگری وجود ندارد/ در روایت عامیانه دو: زال، پهلوانی از گودرزبان (احتمالاً گرگین) و چند نفر سپاهی ایرانی/ در روایت عامیانه سه: رئیس کاروان خراج، زن و فرزندان زال و لشکر ایران/ در روایت عامیانه چهار: یکی از ملازمین درگاه زال.

در مورد کنشگر بازدارنده نیز در تمامی این روایت‌ها زال به‌عنوان پدر رستم به دلیل بیم از توانمندی کک و تجربه‌های تلخ پیشین، همواره به عنوان کنشگر بازدارنده تلاش می‌کند از رفتن فرزند به میدان جنگ پیشگیری نماید و با وجود سعی فراوان موفق نمی‌شود، اما در متن، کنشگرهای بازدارنده دیگری نیز وجود دارند، از جمله در روایت منظوم فارسی کسانی همچون بهزاد برادرزاده کک، مرد دژدار، موبدان خواب‌گزار، دیده‌بان، یاران ناشناس کک، در روایت منظوم کردی، گودرز به عنوان معلم رستم، در روایت عامیانه یک گرگین، الماس، شیر، هاشم دیو و بهزاد، در روایت عامیانه دو و چهار به جز زال کسی دیگری بازدارنده رستم نیست در روایت عامیانه سه قراولان و نگهبانان کک، نگهبان زندان کنشگران بازدارنده روایت هستند. همچنان که اشاره شد ناهمسانی-هایی در کنشگرهای فعال در روایات شش‌گانه وجود دارد که ممکن است از تفاوت منشأ و بنیان این روایت‌ها سرچشمه گرفته باشد و یا در طول روزگاران ناهمانندی‌ها از طریق راویان به متن راه یافته و حاصل اختلاف جغرافیایی و ... باشد، اما نکته مهم این است که این اختلاف‌ها مشکلی در انطباق روایات مذکور با الگوی کنشی گریماس ایجاد نمی‌کند؛ زیرا تمامی کنشگرهای مد نظر گریماس در روایت‌ها فعال هستند. همچنین از نظر شخصیتی اگرچه در کلیه روایات شخصیت‌ها انسانی هستند، در روایت عامیانه (۱) بر خلاف سایر روایات با یک شخصیت حیوانی (شیر) در متن روبه‌رو می‌شویم که به عنوان کنشگر بازدارنده در مسیر قهرمان قرار می‌گیرد و به‌نوعی یادآور رویارویی رخس رستم با شیر در هفت‌خوان است.

۲-۲-۴- مربع معناشناسی^{۱۴}

یکی دیگر از آراء مبتنی بر تقابل و ابزار تحلیل مفاهیم دوگانه متقابل گریماس مربع معناشناسی اوست. مربع معناشناختی، نوعی بازنمود دیداری و واضح از مقوله‌ای معناشناختی است؛ اما آن‌چه دستیابی به چنین بازنمودی را میسر می‌سازد، مطالعه همه‌جانبه فرآیند پویای کلام است. درواقع مربع معناشناسی با ژرف‌ساخت گفتمان مرتبط است که تمام ساختار روبنایی گفتمان بر این ژرف‌ساخت، که همان نقطه مرکزی گفتمان محسوب می‌شود، استوار است (شعیری، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۷). گریماس مربع معناشناسی را به عنوان ابزار تحلیل مفاهیم دوگانه متقابل معرفی کرد. مربع معناشناسی از چهار واژه تشکیل شده است که می‌توان آن‌ها را به چهار موقعیت بر روی مربع تشبیه کرد، یعنی هر نشانه با اشغال یکی از موقعیت‌ها در چهارچوب فوق معنادار می‌شود و همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، از مجموع این چهار موقعیت، سه نوع ارتباط حاصل می‌شود:

الف) ارتباط تقابل تضادی:^{۱۵} که بر روی محور متضادها، یعنی بین دو واژه بالایی مربع (مرگ و زندگی) وجود دارد.

ب) ارتباط تقابل تناقضی:^{۱۶} که بین یک متضاد و نفی آن ایجاد می‌شود (مرگ و نقیض مرگ؛ خطوط در طرح‌واره).



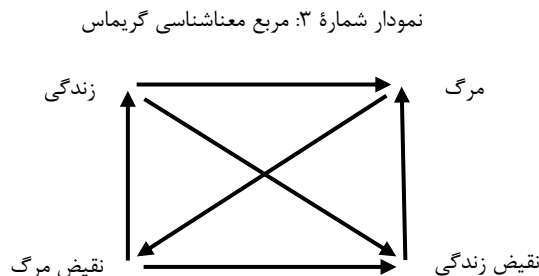
¹⁴ carré sémiotique

¹⁵ relation de contrariete

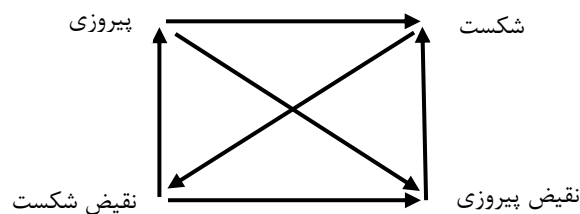
¹⁶ relation de contradicti

ج) ارتباط تقابل تکمیلی: ۱۷ که بین یک نفی متضاد و واژه مثبت برقرار می‌شود (نقیض مرگ و زندگی؛ خطوط در طرح‌واره).

بر اساس این سه ارتباط، سه محور متضادها، متناقضها و مکمل‌ها شکل می‌گیرد که می‌توان آن را در طرح‌واره زیر نشان داد (همان: ۱۲۹):



بررسی روایات کوک کوهزاد بر مبنای مربع معناشناسی ما را به درک معنای نهفته روایت و نمودار زیر هدایت می‌کند که در آن، هر سه رابطه تضادی، تناقضی و تکمیلی وجود دارد: ۱- ارتباط تقابل تضادی: شکست و پیروزی. ۲- ارتباط تقابل تناقضی: شکست و نقیض شکست، پیروزی و نقیض پیروزی. ۳- ارتباط تقابل تکمیلی: نقیض پیروزی و شکست و نقیض شکست و پیروزی.



۳- نتیجه‌گیری

روایات شش‌گانه کُک کوهزاد دارای نظم منطقی ساختاری و محتوایی روایات حماسی است و این امر زمانی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که چهار روایت عامیانه را در کنار روایات منظوم آورده و آن‌ها را با یک محک و الگو (الگوی گریماس) سنجیده و دریا بیم علی‌رغم این که چهار روایت عامیانه به‌واسطه ذهن و زبان مردم عامه بازتولید و روایت شده‌اند؛ به دلیل تأثیر نقالی که منبعث از متون است، و یا نظم منطقی ذهنی روایتگران، پایه‌پای روایت سروده شده و جز در یکی دو مورد جزئی، اختلاف چندانی ندارند؛ بنابراین در نهایت تحلیل کلی داستان پاسخ‌دهنده سؤالات مورد نظر نوشتار است؛ بدین معنا که نوع روایت (منظوم یا منثور/ رسمی یا عامیانه) و زبان

(کردی یا فارسی) در عدم تطابق داستان مذکور با یکدیگر تأثیرگذار نبوده و روایات شش‌گانه با همدیگر مطابقت دارند. همچنین در روایات مذکور مباحث ساختاری هم‌الگوی تقابلی، یعنی وضعیت متعادل آغازین، وضعیت نامتعادل میانی و وضعیت پایانی متعادل و هم ساختار نحوی، یعنی زنجیره‌های سه‌گانه، یعنی پیمانی، اجرایی و انفصالی، به طور کامل وجود دارد. الگوی کنشی روایات کک کوهزاد نشان می‌دهد که به‌جز روایت عامیانه یک که در آن کنشگر یاریگر وجود ندارد و کلیه اجزای کنشگر مورد نظر گریماس در پنج روایت دیگر حضوری فعال دارند و روایات شش‌گانه در سه عامل «کنشگر اصلی یا فاعل»، «گیرنده» و «شیء ارزشی» با هم اشتراک دارند، اما در کنشگر فرستنده یا تحریک‌کننده، یاری‌دهنده و بازدارنده با هم اختلاف‌هایی دارند. منشأ این ناهمسانی‌ها را باید در تفاوت منشأ و بنیان این روایت‌ها و یا ناهمانندی‌هایی که در طول روزگاران از طریق راویان به متن راه یافته و حاصل اختلاف جغرافیایی و ... است، جستجو کرد؛ اما نکته مهم این است که این اختلاف‌ها مشکلی در انطباق روایات مذکور با الگوی کنشی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا تمامی کنشگرها در روایت‌ها فعال هستند و از نظر نوع شخصیت، اگرچه در کلیه روایات، شخصیت‌ها انسانی هستند، در روایت عامیانه (۱) علاوه بر شخصیت‌های انسانی با یک شخصیت حیوانی (شیر) در متن روبه‌رو می‌شویم که به عنوان کنشگر بازدارنده در مسیر قهرمان قرار می‌گیرد و به نوعی یادآور رویارویی رخس رستم با شیر در هفت‌خوان است. در موضوع مربع معنایی بررسی داستان کک کوهزاد و روایات آن ما را به نموداری می‌رساند که در آن، هر سه رابطه تضادی، تناقضی و تکمیلی وجود دارد.

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۰). *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشر مرکز.
- اخوت، احمد. (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*. اصفهان: نشر فردا.
- اسکولز، ای. رابرت. (۱۳۸۳). *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*. ترجمه فرزانه طاهری. چاپ دوم. تهران: آگاه.
- اسماعیل آذر، امیر. (۱۳۹۳). *الهی‌نامه عطار در نظریه نشانه- معنانشناسی آل‌ثریر گرمس و شکل‌شناسی ژرار ژنت*. به اهتمام ویدا آزاد. تهران: سخن.
- امینی، محمدرشید. (۲۰۱۱). *شاهنامه کردی (هورامی)*. سلیمانیه.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم. (۱۳۵۴). *مردم و شاهنامه*. تهران: چاپخانه سپهر.
- انوشه، حسن. (سرپرست). (۱۳۷۶). *دانشنامه ادب فارسی*، جلد دوم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- ایلگتون، تری. (۱۳۸۳). *مارکسیسم و نقد ادبی*. ترجمه اکبر معصوم‌بیگی. تهران: نشر دپگر.
- تولان، مایکل. (۱۳۹۳). *روایت‌شناسی: درآمدی زبان‌شناختی-انتقادی*. ترجمه فاطمه علوی و فاطمه نعمتی. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت.
- خالقی‌مطلق، جلال. (۱۳۶۴). مقاله «معرفی و ارزیابی برخی دست‌نویس‌های شاهنامه (۳)». *ایران‌نامه*. سال چهارم. شماره ۱۴، صص ۲۲۵ - ۲۵۵.
- ریمون کنان، شلومیت. (۱۳۸۷). *روایت داستانی: بوطیقای معاصر*. ترجمه ابوالفضل حری. تهران: نیلوفر.
- سجودی، فرزاد. (۱۳۸۲). *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: علم.
- سلدن، رامان. (۱۳۸۴). *راهنمای نظریه ادبی معاصر*. ترجمه عباس مخبر. چاپ سوم. تهران: طرح نو.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۱). *مبانی معنانشناسی نوین*. تهران: انتشارات سمت.
- شیری، قهرمان. (۱۳۷۶). مقاله «ساختار داستان ۱ و ۲». *مجله ادبیات معاصر*. شماره ۱۱ و ۱۲.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). *حماسه‌سرایی در ایران*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- علوی مقدم، مهیار و شهرام سوسن‌پور. (۱۳۸۷). مقاله «کاربرد الگوی کنشی گرمس در نقد شخصیت‌های داستانی نادر ابراهیمی». *مجله گوهر گویا*. سال دوم، شماره ۸، زمستان، صص ۱۰۷ - ۱۳۰.
- گرین، کیت و جیل لیبهان. (۱۳۸۳). *درسنامه نظریه و نقد ادبی*. ترجمه گروه مترجمان. تهران: روزنگار.
- گیرو، پی‌یر. (۱۳۸۳). *نشانه‌شناسی*. ترجمه محمد نبوی. چاپ دوم. تهران: آگه.
- لوفلر دلاشو، مارگریت. (۱۳۶۶). *زبان رمزی قصه‌های پریوار*. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- محمدی، محمد هادی. (۱۳۷۸). *روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان*. تهران: سروش.
- محمدی، هاشم. (۱۳۸۴). مقاله «داستان رستم و کک کوهزاد». *ماهنامه کتاب ماه ادبیات و فلسفه*. شماره ۹۱، اردیبهشت‌ماه، صص ۳۸ - ۴۳.

مشهدی، محمد امیر و فاطمه ثواب. (۱۳۹۳). مقاله «تحلیل ساختار روایتی داستان بهرام و گل‌اندام بر پایه نظریه گریماس»، متن پژوهی/ادبی. دوره ۱۸، شماره ۶۱. صص ۸۳ - ۱۰۵.

میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی. (۱۳۸۸). *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*. تهران: کتاب مهناز.

والاس، مارتین. (۱۳۸۲). *نظریه‌های روایت*. ترجمه محمد شهبان. تهران: هرمس.

English

Barthes, Roland. (1977). "Introduction to Structural Analysis of Narratives." *Image music-text*. London: Fontana.

Greimas, Algirdas Julien. (1983). *Structural semantics: An Attempt at a method*. Nebraska Press.